

بررسی رابطه حاشیه نشینی و بزهکاری

عبدالحمید بنی اسدی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه گیلان

چکیده

بی شک حاشیه نشینی با بزهکاری و ارتکاب جرم رابطه نزدیک و ناگسستنی دارد. در واقع باید گفت حاشیه شهرها اغلب مکان مناسبی برای انواع بزهکاری می باشد. در رابطه با بزهکاری در حاشیه شهرها علل متفاوتی را می توان بر شمرد، لیکن ما در این پژوهش به تبیین بزهکاری از منظر خرده فرهنگ های جرم زا پرداخته ایم. لوئیس حاشیه نشینی را با فرهنگ فقر همراه دانسته و ویژگی های خاص روانی، فرهنگی و اجتماعی کسانی که فرهنگ فقر را تجربه می کنند را با بزهکاری جوانان مرتبط می داند. کوهن نیز معتقد است رفتار بزهکارانه به وسیله دار و دسته بزهکار معمولاً در اجتماعات خرده فرهنگی طبقات پایین جامعه نظیر حاشیه نشینان شکل گرفته و به اجرا در می آید. وجود خرده فرهنگ خشونت در محلات حاشیه نشین و طبقات پایین عامل دیگری است که موجب ضرب و جرح و قتل در این مناطق می شود.

واژه های کلیدی: حاشیه نشینی، بزهکاری، خرده فرهنگ، فرهنگ فقر.

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و افزایش میزان مهاجرت روستاییان به شهرها مساله حاشیه نشینی و مسکن نامناسب را پدید آورده است. در اثر مهاجرت، ترکیب جمعیت شهرهای بزرگ به کلی جنبه خود را از دست می دهد. مهاجرت روستاییان و رشد سریع شهرنشینی و ظهور حلبی ابادها، کمبود مضایق زندگی شهری، کمبود مسکن، و نارساییهای آن همراه با رشد بیکاری و عدم اشتغال مناسب، زمینه جرم زایی و آسیب های اجتماعی را فراهم کرده است (قچاوند و همکار، ۱۳۸۶).

مطالعات در این زمینه نشان می دهد ۱۴/۵ درصد از جمعیت شهری ایران در محلات شهر که با مسایل حاشیه شهر که با مسایل چون: تعارض فرهنگی، بی ثباتی اجتماعی، بیکاری، بزهکاری، تراکم جمعیت، دسترسی نامناسب به خدمات و سلامت زیست شهری، مشاغل کاذب، بی هویتی، احساس حقارت، آمادگی برای آشوب، خشونت، جرم و جنایت عجین شده است، زندگی می کنند (حاتمی نژاد، ۱۳۹۳، ۲۲۲).

حاشیه نشینی با جرم و بزهکاری رابطه مستقیم و نزدیک دارد. تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه های جاری زندگی موجب می شود تا مهاجران غیر متخصص که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی دهد، جهت برآوردن نیازهای خود دست به هر کاری، ولو غیر قانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزشهای انسانی، کجروی های اجتماعی سریعاً رشد می کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظیر انگسترش می یابد (ستوده، ۱۳۸۹، ۶۴).

ضمن آنکه میزان جنایت، سرقت، روسپیگری، قاچاق مواد مخدر، نافرمانی از قوانین و مقررات جاری و برخی بزه های دیگر نیز در حاشیه کلانشهرها نسبت به دیگر مناطق شهر از آمار بالاتری برخوردار است. بر این مبنا، حاشیه شهرها را می توان به واقع به مناطق بی قانون و بی حاکم تشبیه کرد، زیرا به دلیل دوری از مرکزیت مدیریت شهری، بسیاری از جرائم و مشکلات و مفاسد اجتماعی-اخلاقی در محدوده تحت اشغال آنها بروز نموده و نوعی هرج و مرج در آنها رواج دارد که اگر نظارت صحیح و مناسبی بر آنها صورت گیرد، شاهد کاهش بزه و جرائم نه تنها در این مناطق، بلکه در محدوده سایر مناطق کلانشهرها خواهیم بود، چرا که در واقع برخی از جرائم سازمان یافته از حاشیه به دورن شهرها تسری پیدا می کند (کارگر، ۱۳۸۶، ۱۴۳).

امروزه بین حاشیه نشینی و بزهکاری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد به طوری که بسیاری از افراد حاشیه نشین مرتکب بزهکاری می شوند، اما چه عواملی وجود دارد که باعث می شود افراد حاشیه نشین بیشتر به سمت ارتکاب بزهکاری کشیده شوند موضوع تحقیق این مقاله است، که ما به توضیح و تبیین آن در این رابطه خواهیم پرداخت.

مفهوم حاشیه نشینی

حاشیه در لغت به معنای کنار هر چیز اما در مورد حاشیه نشینی تعاریف مختلفی ذکر شده است که ما به ذکر آن می پردازیم: حاشیه نشینی شهری خانوارها و افرادی را شامل می شود که در محدوده اقتصادی و اجتماعی شهر ساکن شده اند، ولی جذب اقتصاد و اجتماع شهری نشده اند و در حاشیه فعالیت های مردم شهر نشینی قرار دارند. (بنی فاطمه و همکار، ۱۳۸۶، ۹).

افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می کنند از ساخت قدرت و سیاست عمومی جامعه جدایی یافته اند و به عنوان گروه پست اجتماعی تلقی می شوند. حاشیه نشینان از نظر اجتماعی از موقعیت ضعیف برخوردار بوده و در طبقه پایین اجتماع قرار دارند (احمدیان، ۱۳۸۲، ۲۷۹).

مفهوم بزهکاری

بزهکاری در معنا و مفهوم لفظی عبارت است از ترک انجام وظایف قانونی و یا ارتکاب عمل خطایی که الزاماً عنوان جرم ندارد. معذالک این اصطلاح غالباً معادل جرم و به ویژه در ارتباط با جرایم ارتكابی از سوی اطفال و نوجوانان به کار می رود. جرم

شناسان از عبارت جرم و جنایت، خلاف، بزه و بزهکاری به جای یکدیگر و گاهی به یک معنی استفاده می کنند (موسوی، ۱۳۹۰، ۲۴).

بر این پایه بزهکاری وضع یا حالتی است که شخص تخطی کننده از الزامات قانونی، خود را با آن مواجه می یابد. در این صورت ارتکاب جنایت موجب مسولیت اسناد مسوولیت به مجرم شده و متعاقب آن با مجازات های روبرو می شود پس بزهکاری مجموعه وسیعی از موارد نقض هنجار های قانونی و اجتماعی را در بر می گیرد. (محمدی اصل، ۱۳۸۵، ۱۸). منظور ما نیز در این تحقیق بزهکاری به معنای اعم از جرم و انحراف است.

علل و چگونگی شکل گیری حاشیه ها

از عوامل عمده ایجاد ناپایداری در مناسبات شهری به ویژه در کشورهای در حال توسعه، امیخته به مشکلات حاد موسوم به حاشینی است که بنا به مشاهدات جهانی، در حال گسترش فزاینده است. حاشیه نشینی، پیامد انقلاب صنعتی و نتیجه صنعتی شدن شتابان و نابرابری های منطقه ای بوده و از جلوه های بارز فقر شهری است که در شکلی برنامه ریزی نشده و خودرو، در درون یا اطراف شهرها ظاهر می شود. شروع حاشیه نشینی در ایران را می توان در دهه های نخستین قرن حاضر و به خصوص دهه ۱۳۴۰ دانست. برای درک و شناخت مبحث حاشیه نشینی، دو نظریه به عنوان چارچوب مفهومی وجود دارد:

۱- نظریه لیبرال^۱: بسیاری از محققان لیبرالیست که از معتقدان مکتب کارکرد گرایی می باشند، علت عمده حاشیه نشینی را ناشی از کارکرد جاذبه های شهری و دافع های روستایی به شمار می آورند. به نظر آنها افزایش جمعیت، یکی از علل مهمی است که زمینه را برای مهاجرت مازاد نیروی کار روستایی فراهم می آورد.

۲- نظریه ساختار گرایی^۲: نظریه پردازان مکتب وابستگی و ساختار گرایان مانند گوندلر فرانک^۳، عقب ماندگی کشورهای در حال توسعه را معلول تسلط اقتصادی کشورهای توسعه یافته کنونی می دانستند

و بر آن بودند که الگوی توسعه ای وابسته و برو نزا و جریان صنعتی شدن وابسته، شهرنشینی شتابان و ناهمگون را به دنبال دارد که به موازات آن، رشد نامتعادل و نابرابری درآمدها افزایش می یابد و عدم تعادل های ساختاری جامعه شدت می یابد که بر این عملکرد توسعه ای وابسته، پیدایش شکاف طبقاتی میان شهر و روستا و در نتیجه ظهور گروه های حاشیه نشین شهری می باشد. این مناطق، زمینه و بستر شکل گیری و توسعه انواع آسیبها و معضلاتی هستند. (امیری و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۲۲).

فرهنگ فقر

اصطلاح "فرهنگ فقر"^۴ در سال ۱۹۵۹ به آمریکا معرفی شد. انسان شناس اسکار لوئیس^۵ در کتاب خودش پنج خانواده: مطالعات موردی مکزیک بر فرهنگ فقر، لوئیس استدلال کرد که برخی از مردم فقیر ممکن است فقیر باشد نه به خاطر آنکه آنها فرصت نداشته باشد، اما به دلیل خود فرهنگ آنها، فرهنگ فقر باعث می شود آنها فقیر بمانند (بوکسیل، ۱۹۹۴).

لوئیس معتقد است حاشیه نشینی با فرهنگ فقر همراه است و ساکنان این مناطق که عمدتاً از مهاجران هستند به لحاظ سوابق قومی و محدودیت در تحرک اجتماعی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایین، با ساکنان سایر مناطق شهری متفاوت می باشند. فقدان خلوت و حریم خصوصی در خانواده های حاشیه نشین به گونه ای که هر محدوده ای در دسترس و کنترل همه

¹ Liberal theory

² structural theory

³ Gunder frank

⁴ The culture of poverty

⁵ Oscar Lewis

اعضای خانواده است، شکاف زیاد بین اعضای خانواده، رقابت و کشمکش برای دستیابی به لوازم زندگی به دلیل کمبود آنها، احساس بی ارزشی، تحقیر، درماندگی، سرشکستگی، سرگردانی و عدم هویت، ناتوانی در فرو بردن خشم خود، و سایر احساسات زمینه را برای رفتار بزهکارانه در جوان به وجود می آورد. (احمدی، ۱۳۹۲، ۱۸۴)

اکثر حاشیه نشین ها تحت تأثیر متغیر ها یی چون عدم دسترسی به مشاغل اقتصادی شهر همراه با فقر اقتصادی و عدم تخصص مجبور به تداوم زندگی در این مناطق میشوند و فقر در این مناطق موجب میشود که ساکنین این محله به مشاغل کاذب رو بیاورند (رضایی، ۱۳۹۳، ۱۸۷).

فرهنگ فقر وسیله ای برای فرد حاشیه نشین است تا با محیط و فضای خود سازگار گردد. این فرهنگ و روش زندگی، نشانه ی کوشش انسان های فقیر برای مقابله با نومیدی است. نومیدی از دانستن این واقعیت که کسب موفقیت در زمینه ی ارزش ها و هدف های جامعه بزرگ تر برای آن ها نه محال بلکه تقریباً ناممکن است. (قادر زاده، ۱۳۹۳، ۹)

حاشیه نشینی و خرده فرهنگ بزهکاری

حاشیه نشینان که قربانی طرد اجتماعی هستند در مقابل تمام اصول و هنجارهای اجتماعی غالب موضع گیری می کنند. تعارض اجتماعی و طبقاتی حاشیه نشینان و بالأخص فرزندان این طبقه پایین شهری با طبقات متوسط و بالای شهر در شدیدترین حالت خود موجب شکل گیری خرده فرهنگهای جوانان منحرف و بزهکار می شود. این خرده فرهنگهای بزهکارانه معمولاً مردانه هستند و به قتل و غارت، رفتارهای وندالیستی، اعتیاد، سرقت، خشونت های خیابانی، همکاری با گروه های تبهکاری بزرگسالان، فحشا و قانون شکنی می پردازند و در مواقعی نیز در راستای اهدافشان از زنان جوان طبقه خود استفاده می کنند. در اغلب مواقع برخورد پلیس و جامعه با این گروهها به گونه های است که به نهادینه شدن و تعمیق این تعارضهای اجتماعی منجر میشود. حاشیه نشینان در نظام اجتماعی شهر به طور کامل ادغام نشده اند و از اینرو، به عنوان شهروندان رسمی در جامعه پذیرفته نمی شوند یا لاقبل خود چنین احساسی دارند. همین گسست از جامعه شهری و عدم تعلق شهروندی همراه با سایر ویژگی های حاشیه نشینی همچون پایین بودن سطح سواد و مهارت شغلی، مانع مشارکت توسعه ای مردم این مناطق می شود (هادی پور و همکاران، ۱۳۹۳، ۶۱).

والتر میلر^۶ از شخصیت های است که در رابطه با خرده فرهنگ های بزهکاری مطالعه کرده است او می گوید: در مورد بزهکاری گروه ها، سیستم فرهنگی به کار برده می شود و تاثیر مستقیمی بر رفتار دارد، که جوامع طبقه پایین خودشان یه سنت و الگو های متمایزی را ایجاد می کنند با یک یک پارچگی که من ان را خرده فرهنگ بزهکاری^۷ می گذارم، که اون برخاسته از میان تعارض و کشمکش با فرهنگ طبقه متوسط است و تمایل به تخطی عمدی از هنجار های طبقه متوسط دارد (میلر، ۱۹۹۸).

در حقیقت می توان گفت حاشیه نشینان نیز که جز ضعیف جامعه هستند. خود نیز داری فرهنگی منحصر به خود هستند. آنها که نمی تواند از راه قانونی و مشروع به اهداف طبقه متوسط دست بیابند به کشمکش و نفی ارزش های طبقه متوسط می پردازند. و برای خود خرده فرهنگ بزهکارانه ایجاد می کنند و افراد حاشیه نشین و طبقه پایین در صورتی که ارزش های این خرده فرهنگ را کسب کنند، دارای ارزش و مقام می شوند.

کلوارد^۸ و اوهلین^۹ نیز در سال ۱۹۶۰ در کتاب «بزهکاری و فرصت: نظریه درباره ولکردان بزهکار» نظریه فرصت های افتراقی یا فروانی فرصت های نامشروع را ابداع کردند. آنها ملاحظه کردند که بر حسب ادعای مرتون جوانان در جستجوی موفقیت مادی

^۶ Walter miller

^۷ Delinquent subculture

^۸ Cloward

و پولی و بر حسب دیدگاه کوهن در جست و جوی جایگاه اجتماعی هستند، در حالی که این دو مقوله را می توان با هم در نظر گرفت، بر این اساس در یک جامعه با چهار دسته از جوانان سرو کار خواهیم داشت:

۱. جوانانی که در جست و جوی جایگاه اجتماعی و در تکاپوی موفقیت مادی و مالی هستند.

۲. جوانانی که فقط در جست و جوی جایگاه اجتماعی هستند و چندان به موفقیت مالی نمی اندیشند .

۳. جوانانی که به جایگاه اجتماعی نمی اندیشند و عمدتاً در تکاپوی رسیدن به وضعیت اقتصادی مطلوب اند.

۴. جوانانی که نه به جایگاه اجتماعی و نه به موفقیت مادی، هیچ کدام ، نمی اندیشند.

کوهن بیشتر بزهکاری نوجوانان را در طبقه اول و دوم می دید، چرا که نداشتن جایگاه اجتماعی و عدم بهره مندی از موقعیت مالی، موجب محرومیت و ناکامی می شود و فشار هایی را بر فرد وارد می کند. اما در عین حال این افراد، پایبند ارزش های اجتماعی جامعه خود هستند، به عقیده کلوارد و اوهلین عمده بزهکاری جوانان و البته خطر تاک ترین آنها را باید در طبقه سوم دید، چرا که این دسته پول ندارند، علاوه بر این ارزش های اجتماعی را هم قبول ندارند و با آن در ستیزاند و این فشار مضاعفی را بر آنها تحمیل می کند. جوانان طبقه چهارم نیز ممکن است، در معرض سرزنش جامعه باشند، ما به علت عزلت گزینی و انزوا برای جامعه در دسر و ناراحتی ایجاد نمی کنند (حاجی ده ابادی، ۱۳۹۴، ۱۲۰).

در واقع نظریه خرده فرهنگی کوهن که با رویکرد جامعه شناسی انحرافات به پدیده بزهکاری نگریسته است این پیش فرض را مطرح نموده که رفتار بزهکارانه به وسیله دار و دسته بزهکار^۹ معمولاً در اجتماعات خرده فرهنگی طبقات پایین جامعه نظیر حاشیه نشینان شکل گرفته و به اجرا در می آید (احمدی و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۰۵).

خرده فرهنگ خشونت

ولف گانگ^{۱۱} و فراکوتی^{۱۲} نظریه کلی در مورد زمینه خشونت مجرمانه، به نام خرده فرهنگ خشونت^{۱۳} مطرح کردند. این نظریه تا اندازه زیادی بر مطالعه پیشین ولف گانگ در زمینه ی قتل در فیلادلفیا استوار است. ولف گانگ دریافته بود که شمار قابل توجهی از قتل هایی که در میان مردمان طبقه ای فرودست روی می دهد، ناشی از حوادث بسیار ناچیزیست که بخاطر انتظارات دوسیه درباره ی چگونگی رفتار مردم اهمیت زیادی یافته اند. ولف گانگ و فراکوتی یافته های این مطالعه و شمار دیگر از مطالعات مربوط به خشونت مجرمانه را به صورت یک نظریه فراگیر که برای تبیین یکی از انواع قتل، یعنی قتل های هیجانی که نه به صورت قتل عمدی برنامه ریزی شده اند و نه نمود های از بیماری بسیار شدید روانی طرح ریزی شده بود، عمومیت بخشیدند ان ها تضاد های اساسی ارزش ها را در میان فرهنگ غالب و این خرده فرهنگ خشونت تصویب کردند. برای نمونه، افرادی که در خرده فرهنگ خشونت اند ، در مقایسه با ان هایی که در فرهنگ غالب اند ، تمایل بسیار زیادتری به ارزشمند دانستن شرف دارند. از سوی دیگر، ان ها تمایل بسیار کمتری برای ارزش بخشیدن به زندگی انسانی دارند. هم چنین تضاد های هنجارین بین خرده فرهنگ خشونت و فرهنگ غالب وجود دارد (ولد و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۴۶).

⁹ Ohlin

¹⁰ Delinquent Gangs

¹¹ Gang

¹² Ferracuti

¹³ Violence subculture

برنالد اسپس استدلال نمود فقر، محیط های شهر های و تبعیض، شرایطی ساختاری اند که همگی به براندیختگی منظم در مردمانی که آنها را تجربه می کنند، منجر می شود. امریکایی-آفریقایی های فقیر که در نواحی میان شهر زندگی می کنند، هر سه این شرایط را تجربه می کنند. بنا براین، این ها مجموعه ی گسترده تری از حوادث را تهدید کننده تفسیر کرده، با پرخشگری قابل ملاحظه ای به این حوادث واکنش نشان خواهند داد. افزون بر آن، این نواحی میان شهر به لحاظ اجتماعی از بقیه ی اجتماع جدا می شوند. در آن وضعیت، افراد تهدید های دیگران را دیده، در همان محیط نسبت به افراد دیگر با پرخشگری واکنش نشان می دهند، حتی اگر آن افراد چیز تهدید کننده انجام نداده باشند (همان، ۲۵۱).

با توجه به فشار اقتصادی و روحی که به قشر حاشیان می آید. ساکنان آن اغلب حس و درک شان کم شده که جامعه شناسان نیز به آن اشاره کرده اند که وقتی درد رنج و محرومیت زیاد شود، فرد کمر خسته شده و دیگر قادر به انجام کاری نیست. لذا دچار عصیان می شود. (حاتمی، ۱۳۸۷، ۲۵). انسان حاشیه نشین که انسانی جدا افتاده از جامعه و فرهنگ اصلی است، توانایی حل مشکلات به صورت مسالمت آمیز و منطقی را ندارد و با پرخشگری و خشونت می خواهد مشکلات خود را حل کند. در واقع به دلیل سواد پایین مردم حاشیه نشین و ارزش های همچون داشتن زور و قدرت بدنی و لات و لوت بودن، آنها در واقع یک خرده فرهنگ شکل می دهند به نام خرده فرهنگ خشونت که هر کس خشن تر و پرخاشگر تر باشد با ارزش تر است.

نتیجه گیری

حاشیه نشینی از مسائل مهم شهر نشینی در کشورهای جهان است. اما این معضل در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه ایران روز به روز در حال گسترش است. حاشیه نشیان که اصولاً افرادی مهاجر هستند به دلیل فقر و عدم جذب در فرهنگ و اقتصاد شهر نشینی به بزهکاری روی می آورند. در واقع آنها چون نمی توانند از راه صحیح و قانونی نیاز های خود را تامین و ارزش های اصلی جامعه را پوشش دهند. برای خود، خرده فرهنگ بزهکارانه را شکل می دهند که طبق این خرده فرهنگ راحت تر دست به جرم و جنایت می زنند. والتر میلر بیان می دارد که جوامع طبقه پایین خودشان یه سنت و الگو های متمایزی را ایجاد می کنند که اون برخاسته از میان تعارض و کشمکش با فرهنگ طبقه متوسط است و تمایل به تخطی عمدی از هنجار های طبقه متوسط دارد. علاوه بر این خرده فرهنگ فقر باعث می شود که آن ها برای رسیدن به هدف های مشروع از راه قانونی و سخت تر که همان کوشش، تلاش است روی نیابند و به راه های ساده تر که همان ارتکاب بزه است بپردازند. اسکار لوئیس حاشیه نشینی را با فرهنگ فقر مرتبط می دانند، و بی ارزشی، تحقیر، درماندگی، سرشکستگی، سرگردانی و عدم هویت و فقر آنها را زمینه ای برای بزهکاری می داند. حاشیه نشیان که از خود و جامعه خود، سر خورده و ناامید هستند با کوچکترین مشکلی شروع به پرخاش گری و خشونت می کنند. و کوچک ترین موضوعات رو مثل چپ چپ نگاه کردن را تبدیل به فتنه های بزرگ می کنند. که این نشان از وجود خرده فرهنگ خشونت در این گونه محله ها می دهد.

منابع

- ستوده، هدایت الله، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات اوای نور، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۹
- احمدی، حبیب، جامعه شناسی انحرافات، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۹۲
- ولد، جرج و همکاران، جرم شناسی نظری، ترجمه ی علی شجاعی، انتشارات سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۴
- حاجی ده ابادی، محمد علی، جامعه شناسی جنایی، انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ اول، ۱۳۹۴
- موسوی، السادات، بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۹۰

محمدی اصل، عباس، درامدی بر جامعه شناسی، انحراف رفتاری نوجوان، نشر حق شناس، چاپ اول، ۱۳۸۵

بنی فاطمه حسین و همکار، تبیین عوامل، اثرات و پیامد های حاشیه نشینی و آرایه راهکار های تعدیل ان، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۶

احمدیان، محمد علی، حاشیه نشینی، ریشه ها و راه حل ها، پژوهش های اجتماعی اسلامی، شماره ۴۳، ۱۳۸۲

امیری، مجتبی، و همکاران، مطالعه آسیب شناسی ناشی از حاشیه نشینی در منطقه ۱۹ شهرداری تهران از دیدگاه مدیران شهری، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، شماره پنجم، ۱۳۹۲

قادر زاده، هیرشی، توسعه شهری پایدار و مسایل حاشینی (مطالعه موردی شهر بانه)، ششمین کنفرانس ملی مدیریت و برنامه ریزی شهری، مشهد، ابان ۱۳۹۳

هادی پور، سکینه و همکار، تاملی بز حاشه نشینی و اثر گذاری ان بر امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی همدان، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۳

حاتمی، نادر، حاشیه نشینی و معضل بزهکاری، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال هفتم، شماره ۷۲، ۱۳۸۷

قچاوند، کاظم و همکاران، نگرشی بر مشکلات حاشیه نشینی در اصفهان، فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال دوم، شماره سوم، ۱۳۸۶

حاتمی نژاد، حسین و همکاران، نگرشی بر جرم خیزی و زمینه های ارتکاب جرم در محلات حاشیه نشین مورد پژوهش: محله شاد قلی خان قم، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۹، شماره اول، ۱۳۹۳

رضایی، محمد رضا، و همکار، بررسی و تحلیل علل شکل گیری حاشیه نشینی در شهر کرمان، نمونه مورد مطالعه محلات سیدی و امام حسن، برنامه ریزی فضایی، (جغرافیا)، شماره ۱۵، ۱۳۹۳

احمدی، حبیب و همکار، فرهنگ فقر، حاشیه نشینی و گرایش به رفتار بزهکارانه در میان جوانان حاشیه نشین ده پیاله شیراز در سال ۸۳، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد نوزدهم، شماره ۲، ۱۳۸۴

کارگر، بهمن، حاشیه نشینی و امنیت شهری، جغرافیا (نشریه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)، سال پنجم، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۸۶

Boxill, Bernard, The culture of poverty, Social Philosophy and Policy Foundation. USA, 1994, Pp .249-280

Miller, Walter, lower class culture as generation milieu of Gang delinquency, journal of social issues, 1958, p, p 5-19

The Relation of Suburbia and Delinquency

Abdul Hamid Baniasadi

Masters student of criminal law and Criminology, Guilan University

Abstract

Undoubtedly, suburbia with delinquency and commit of crime are closely related and inseparable. In fact, the city's outskirt is often a good place for all kinds of delinquency. In relation to the delinquency in city's outskirt of different causes can be enumerated, but we explain delinquency in this study from the perspective of subcultures causing offense. Lewis suburbia by the culture of poverty with knowledge and specific characteristics of psychological, cultural and social culture of those who experience poverty are linked with juvenile delinquency. Cohen also believes criminal behavior by gang delinquent, usually in the lower classes of sub culture society, such as marginalized communities formed and carried. There subculture of violence in suburbia neighborhoods and lower classes is another factor that leads to battery and murder in these areas.

Key word: Suburbia, Delinquency, Sub-Culture, Culture of Poverty
